



آموزش حقوق شهروندی به دانش آموزان

# درس حقوق شهروندی

منیژه حسنی پور فلاح بهدانی  
کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی و برنامه ریزی درسی

## اشاره

در پژوهش حاضر با عنوان، «شناسایی شیوه‌های آموزش قانون‌گرایی و احترام به حقوق شهروندی» مؤلفه‌های آموزش قانون‌گرایی و احترام به حقوق شهروندی در دو حیطه رسمی و غیررسمی بررسی شده است. جامعه آماری دبیران متوسطه ناحیه یک شهرستان رشت بوده است که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ به تدریس مشغول بوده‌اند. از بین آن‌ها یک نمونه ۲۴۲ نفری به شیوه تصادفی انتخاب شده است.

روش پژوهش توصیفی - پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته بوده که با استفاده از منابع مرتبط در دسترس تنظیم شده است. روایی پرسش‌نامه با نظرخواهی از متخصصان بررسی شده و پایایی آن نیز با استفاده از روش آلفای کرانباخ مقدار ۰/۹۱۶ به دست آمده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق شهروندی، قانون‌گرایی، شیوه‌های آموزش

## مقدمه

نهاد آموزش و پرورش نقش‌های اساسی در تربیت شهروندان هر کشوری دارد. اگرچه شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد جامعه الزاماً به تعلیم و تربیت رسمی وابسته نیست، باید گفت که بخش اعظم تربیت فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در واقع، تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش‌های تربیت آدمی است که آثار آن را به گونه‌ای همه‌جانبه می‌توان در زندگی انسان‌ها و در ابعاد گوناگون فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آنان مشاهده و بررسی کرد.

از سوی دیگر، پویایی و نشاط هر جامعه به مشارکت فعالانۀ نسل جوان آن در امور گوناگون جامعه منوط است؛ نسلی که آگاهانه و با شخصیتی توسعه‌یافته بتواند در جامعه‌اش مشارکت همه‌جانبه داشته باشد، نقش شهروندی خود را به خوبی ایفا کند، در برخورد با مسائل و مشکلات، منطقی بیندیشد و عاقلانه برای حل آن‌ها تصمیم بگیرد. لذا تربیت چنین شهروندی در وهله‌ی اول به دلیل حضور طولانی مدت کودک در مدرسه، به عهده نظام آموزش و پرورش رسمی است.

آموزش حقوق شهروندی یکی از ضرورت‌های اساسی هر جامعه است و سهم اساسی آن در تحقق واقعی استانداردهای زندگی شهروندی انکارناپذیر است. بدیهی است این آموزش مسئولیتی همگانی و راهبردی زیربنایی و فاقد قید و بندهای زمانی و مکانی است. در حقیقت، آموزش حقوق شهروندی اعطای شناخت به کسانی است که بالفعل یا بالقوه در معرض نقض حقوق شهروندی خود هستند.

آموزش شهروندی به‌طور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی، و یا به‌طور رسمی سرفصل درسی مجزا در مدارس و یا به‌صورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه شهروندی فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند و تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی اتخاذ کنند.

دلیل انتخاب این موضوع برای پژوهش آن بوده است که شواهد نشان می‌دهد امروزه دانش‌آموزان به مؤلفه‌های قانون‌گرایی توجهی ندارند. در واقع، ریشه اصلی ناآگاهی از قوانین و مقررات به تعلیم و تربیت کشور باز می‌گردد که به مؤلفه‌های آموزشی کمتر توجه داشته باشد.

به‌منظور بررسی موضوع فوق، مجری این پژوهش کوشیده است به سؤالات زیر پاسخ دهد.

- ۱ آیا بین آموزش‌های قانون‌گرایی و رعایت احترام به حقوق شهروندی رابطه وجود دارد؟
- ۲ آیا بین آموزش‌های غیررسمی (رادیو و تلویزیون) و رعایت قانون رابطه وجود دارد؟
- ۳ آیا بین آموزش‌های محتوای درسی و رعایت قوانین و مقررات رابطه وجود دارد؟
- ۴ آیا بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی و رعایت احترام به قوانین و مقررات شهروندی رابطه وجود دارد؟

## حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارند و نیز اطلاقی عام است به مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. دارنده این حقوق «شهروند» است و این عنوان به تک‌تک افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، اطلاق می‌شود، فراتر از مفهوم «تابعیت» و بدون اعتنا به سلسله‌مراتب، موقعیت‌هایی متمایز برای افراد، وجود شرایطی برای به رسمیت شناخته شدن، حاکمانی خاص و حکومت شونده‌گان خاص، و در مقابل مبتنی بر رابطه‌های چندسویه بین دولت، جامعه و شهروندان و وجود یک اخلاق مشارکت و موقعیتی فعالانه. به عبارت دیگر، مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل «کرامت انسانی» و «منع تبعیض» برای فراهم‌سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می‌گیرد، «حقوق شهروندی» نام دارد. مجموعه قوانین و امتیازات مربوط به حقوق شهروندان به «حقوق فردی» مانند آزادی بیان و «حقوق مربوط به گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه» همچون حق برخورداری از انرژی تقسیم می‌شود. (www.forum.98ia.com)

در حقوق شهروندی، چگونگی روابط شهروندان، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر، و هدف‌ها، اصول و شیوه‌های رفتاری آنان در اجتماع اهمیت ویژه‌ای دارد. حقوق شهروندی توضیح می‌دهد که افراد در زندگی روزمره و در جریان فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود چه وظایفی در قبال سایر شهروندان، کشور و دولت دارند و از چه مزایایی در جامعه برخوردارند. پس حقوقی که هر فرد به‌عنوان شهروند و تابع یک دولت از آن بهره‌مند می‌شود، حقوق شهروندی نام دارد. حقوق شهروندی یکی از دستاوردهای مثبت بشری است که امروزه مورد قبول دولت‌ها و ملت‌ها قرار گرفته است (زکی، ۱۳۸۹: ۵۶).

در عصر حاضر که مشهور به «عصر فراطرد» است، اندیشه‌های حقوقی و به‌ویژه تفکر حقوق بشری گفتمانی غالب را در منظومه فکری سیاسی، اجتماعی و اخلاقی شهروندان به وجود آورده است که همگان در این فضا استنشاق می‌کنند و موافق و مخالف در آن به اعلام نظر و اتخاذ موضع می‌پردازند. شاید واضح‌ترین نشانگر تعهد عصر گذشته، یعنی مدرنیته، به حقوق در یک روایت کلان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» باشد که در سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل به تصویب رسید. این سند نشان‌دهنده غلبه و شیوع تفکر حقوقی است که نهادی همچون سازمان ملل، به‌رغم آنکه کشورهای عضو آن هر یک حامی ایدئولوژی‌های متعارض و دارای فرهنگ‌های مختلف بودند، توانسته است از چنین اعلامیه‌ای رسماً حمایت کند.

اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۶۶ با دو میثاق دیگر همراه شد که با جزئیات بیشتری حقوق بشر را بیان می‌کردند. یکی از آن‌ها درباره حقوق مدنی و سیاسی، و دیگری درباره حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود. در عین حال، توجه بین‌المللی به حقوق بشر به سازمان ملل محدود نبوده است. مناطق مختلف

جهان بیانیه‌های حقوق بشر خاص خود را ارائه داده‌اند. در سال ۱۹۵۰، بیست کشور اروپایی معاهده اروپایی حقوق بشر را امضا کردند و دادگاه اروپایی و کمیسیون اروپایی را برای اجرا و نظارت بر آن معاهده تشکیل دادند. «اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۴۸ منتشر شد و در سال ۱۹۶۹، چند دولت آمریکای لاتین تعهد خود را در پایبندی به معاهده آمریکایی حقوق بشر اعلام کردند و دادگاه و کمیسیونی برای به اجرا گذاشتن آن معاهده به وجود آوردند. در سال ۱۹۸۱، سازمان وحدت آفریقا «منشور آفریقایی حقوق انسان و مردم» را به تصویب رساند. به واقع باید گفت که امروزه هیچ کشوری در دنیا نیست که بتواند ادعا کند، توانسته است تمام اصول آرمانی اعلامیه جهانی حقوق بشر را تحقق بخشد. تنها در سال ۲۰۰۷ میلادی، حدود بیست هزار شکایت در مورد نقض حقوق بشر در روسیه به دیوان عالی اروپا رسیده است. (جاوید، ۱۳۸۸: ۲)

حقوق شهروندی جدید دارای دو ویژگی بارز و برجسته است که آن را از دیگر مفاهیم حقوقی جدا می‌کند. نخست آنکه جدا از حقوق بشر به شمار می‌آید و این استقلال یعنی باید با نگاهی تازه آن را تعریف و تشریح کرد. دیگر آنکه بر روابط شهرنشینان با یکدیگر و با نهادهای دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از «حقوق شهروندی» به مفهوم عام به شمار آورد. رابطه دولت و مردم در حقوق شهروندی جدید، بیش از آنکه مبتنی بر امریت دولت و اقتدار باشد، بر مبنای رابطه متقابل و همکاری است. اگر چه در برخی موارد مهم جنبه حاکمیت دولت اعمال می‌شود، در بیشتر موارد حقوق و تکالیف خاصی برای تحقق حقوق شهروندی بر دوش دولت و مردم قرار می‌گیرد (افشار، ۱۳۸۸).

## آموزش شهروندی به شهروندان می‌آموزد که چگونه شهروندی فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند و تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی اتخاذ کنند

آموزش شهروندی عبارت است از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت، تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. این آموزش‌ها شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌هاست. منظور از حقوق انسانی، یادگیری ارزش‌های مشترک و حقوق و آزادی‌های انسانی است. آگاهی سیاسی به معنای دستیابی به دانش و شناخت امور و نظام‌های سیاسی است (سید، ۲۰۰۶).

حقوق آموزش شهروندی، بر خلاف بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی، از جمله حقوقی نیست که خود به خود محقق شود، و هر دولت صرفاً از تعرض و مداخله به حریم آن منع گردد. آموزش حقوق شهروندی را باید در این واقعیت جست‌وجو کرد که آموزش شهروندی در فرایند تاریخی پرنشیب و فرازی به یک «حق» و «تکلیف» بین‌المللی مبدل شده است (فامیل رستمی، ۱۳۸۸: ۹).

## نقش و اهمیت قانون‌گرایی در قرن ۲۱

تحقیقات گوناگون ثابت کرده‌اند که سطح تحصیلات و آموزش نقش تعیین‌کننده‌ای در مشارکت افراد در مسائل اجتماعی و فرهنگی و ایفای نقش شهروندی دارد. لذا اهمیت آموزش

زیست آن‌هاست (یادگیری از طریق مشارکت و داوطلب شدن در فعالیت‌های عام‌المنفعه و دسته‌جمعی را باید از این مقوله دانست).

و بالاخره وجه سوم آموزش شهروندی را می‌توان انتقال دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی به کودکان دانست که به واسطه آن خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند. بدین ترتیب، هدف‌های آموزشی شهروندی عموماً باید حول سه محور آموزش «مسئولیت اجتماعی و اخلاقی»، «فعالیت‌گرایی اجتماعی» و «سواد سیاسی» تعیین شوند.

تأکید آموزش شهروندی بر این است که کودکان را به‌عنوان شهروندان به‌گونه‌ای تربیت کند که در اجتماع و محیط پیرامون خود مشارکت کنند، با حقوق خود آشنا شوند و به وظایف خود در قبال جامعه عمل کنند.

آموزش و پرورش کشور ما هم در چند سال گذشته در این زمینه تجربه‌هایی داشته که مهم‌ترین آن‌ها تشکیل «شوراهای دانش‌آموزی»، «مجلس دانش‌آموزی» و پیش از آن‌ها «شهردار مدرسه» بوده است. همچنین، مسابقه‌های متفاوتی چون «پرسش مهر» چنین هدفی را دنبال می‌کنند اما به نظر می‌رسد آموزشی که شرط ضروری حقوق شهروندی و همچنین دموکراسی است، هنوز مورد غفلت آموزش و پرورش ماست.

اگر انتظار داریم دانش‌آموزان به ارزش‌های فردی احترام بگذارند و شأن انسانی را بشناسند، دبیران باید به‌عنوان الگو این کارها را انجام دهند. آن‌ها می‌توانند با متعهد کردن دانش‌آموزان به مشارکت در امور مورد علاقه خود و ایجاد فرصت‌هایی برای آگاهی از مشارکت برخی افراد و گروه‌ها در مدرسه، اجتماع، ناحیه، ملت و جهان، رفتار دموکراتیک را در دانش‌آموزان تقویت کنند. کلاس‌های دموکراتیک موظف به شناساندن ارزش و شأن افراد هستند. بنابراین دبیران باید دانش‌آموزان را تشویق کنند که ارزش یکدیگر را بشناسند. برای ایجاد یک جامعه یادگیری دموکراتیک، ارزش‌دهی به پیشینه افراد و فرهنگ و دانش‌های آن‌ها ضروری است (برخورداری، ۱۳۸۳: ۴).

## یافته‌ها

نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که از دیدگاه دبیران در ارتباط با سؤال اول پژوهش، بین آموزش‌های قانون‌گرایی و رعایت احترام به حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. همچنین، نتایج «ضریب هم‌بستگی پیرسون» نشان می‌دهند که بین آموزش‌های قانون‌گرایی و رعایت احترام به حقوق شهروندی رابطه‌ای در سطح یک درصد وجود دارد. و رابطه بین این دو عامل مثبت و کمتر از حد متوسط است. یعنی دیدگاه بخش قابل توجهی از دبیران نه مخالف و نه موافق است و در حد وسط، گرایش و نظر آن‌ها بیشتر مخالف است و نظر منفی دارند. این نتیجه با نتایج پژوهش کیانپور (۱۳۸۵) و اسکندری (۱۳۸۶) همسوست. آن‌ها نیز به این نتیجه رسیدند که عوامل اجتماعی - فرهنگی نظیر آموزش‌های اجتماعی، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و استفاده از آن‌ها، و مشارکت در عرصه‌های عمومی توانسته است در میزان آگاهی دبیران از حقوق شهروندی تغییری ایجاد کند.

نتایج به دست آمده از پاسخ به سؤال دوم پژوهش (آیا بین آموزش‌های غیررسمی و رعایت قانون رابطه وجود دارد؟) نشان داد که از دیدگاه دبیران بین آموزش‌های غیررسمی و رعایت قانون رابطه وجود دارد. همچنین نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون در مورد آموزش‌های غیررسمی و رعایت قانون نشان می‌دهد که بین این دو عامل رابطه‌ای در سطح یک درصد وجود دارد و رابطه بین این دو عامل مثبت و کمتر از حد متوسط است.

به عبارت دیگر، نظرشان بیشتر مخالف و منفی بوده است.

**اسلامی و سیار (۱۳۸۶)، عیدی (۱۳۸۶) و جیمی والس<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)** در مطالعاتشان به اهمیت این موضوع نیز پرداخته بودند. همه آنان بر آموزش غیررسمی رعایت نظم و قانون به‌ویژه از طریق رادیو و تلویزیون تأکید خاص کرده‌اند و نتایج پژوهش آنان با نتیجه این پژوهش همسویی دارد.

نتایج به دست آمده از پاسخ‌هایی که به سؤال سوم پژوهش (آیا بین آموزش‌های محتوای درسی و رعایت قوانین و مقررات رابطه وجود دارد؟) داده شده است، نشان داد که از دیدگاه دبیران بین محتوای درسی و رعایت قوانین (رابطه وجود دارد. همچنین بنا بر نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون بین این دو عامل رابطه‌ای در سطح یک درصد مشاهده می‌شود؛ یعنی رابطه بین این دو عامل مثبت و کمتر از حد متوسط است. پس نظر بخش قابل توجهی از دبیران نه مخالف و نه موافق است و در حد وسط، گرایش و نظر آن‌ها بیشتر مخالف است و نظر منفی دارند. این نتیجه با نتایج پژوهش پاتریک، جان، جی<sup>۳</sup> (۲۰۰۷).

**لطف‌آبادی (۱۳۸۶) و عسکریان (۱۳۸۵)** همسو بوده است. آن‌ها در مطالعاتشان نیز به نقش مدرسه به‌عنوان مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی اشاره داشته و بیان کرده بودند آنچه می‌تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل‌گیری و توسعه مدارس را در هزاره سوم توجیه کند، عمل کردن مدارس به‌عنوان «مدرسه زندگی» است.

نتایج به دست آمده از پاسخ‌های داده شده به سؤال چهارم پژوهش (آیا بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی و رعایت احترام به قوانین و مقررات شهروندی رابطه وجود دارد؟) نشان داد که از دیدگاه دبیران، بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی و رعایت احترام به قوانین و مقررات شهروندی رابطه وجود دارد. همچنین، نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین این دو عامل رابطه‌ای در سطح یک درصد مشاهده می‌شود. یعنی رابطه بین این دو عامل مثبت و کمتر از حد متوسط است. به عبارت دیگر، دیدگاه دبیران بیشتر به مخالفت گرایش داشته است. ابراهیمی قوام (۱۳۸۳)، فتحی و اجارگاه و سکینه واحد چوکده (۱۳۸۵)، عسکریان (۱۳۸۵)، تیچرنت<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در مطالعات خود به این موضوع اشاره کرده و معتقد بودند که آموزش‌های رسمی و غیررسمی و اتفاقی از موقعیت‌های مختلف بهره می‌جویند و بستر مناسبی را برای آموزش شهروندی فراهم می‌آورند.

در مجموع نتایج حاصل از این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های تقریباً مشابه داخلی و خارجی، سؤالات پژوهشی را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که آموزش رسمی مؤثر و نتیجه‌بخش است ولی

آموزش غیررسمی در کنار آن آموزش رسمی را تکمیل می‌کنند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده همسویی دارد و به نوعی تکمیل‌کننده یافته‌های به دست آمده از کارهای انجام شده توسط دیگران است.

## پیشنهادها

■ نظام آموزش و پرورش عالی کشور مواد درسی خاصی را در خصوص شهروندی، حقوق شهروندی و رعایت آن در برنامه‌های آموزشی کشور لحاظ کنند. در محتوای مواد درسی نیز بر رابطه «توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه» با «رعایت حقوق شهروندی و قانون‌گرایی شهروندان» تأکید خاص شود.

■ از آنجا که پویایی گروهی در سطح کلان می‌تواند تأثیر زیادی بر مشارکت افراد در کشور داشته باشد، پیشنهاد می‌شود در محتوای کتاب‌های درسی به مسئله پویایی گروهی و شیوه‌های اجرای آن در جامعه پرداخته شود. همچنین، در نظام آموزشی کشور معلمان در تدریس متون و مواد درسی از این شیوه به‌صورت عملی استفاده کنند تا دانش‌آموزان با مشاهده آن بتوانند مهارت‌های افزایش پویایی گروهی را در خود تقویت کنند.

■ با ایجاد ارتباط بین رسانه‌های جمعی (روزنامه، تلویزیون و رادیو) و مراکز آموزشی جامعه می‌توان گام‌های مؤثری در زمینه آموزش حقوق شهروندی و رعایت آن از سوی شهروندان بین آحاد جامعه برداشت. رسانه‌های جمعی با بهره‌گیری از کارگزاران ارتباطی (روزنامه‌نگاران، مجریان رادیو و تلویزیون و گزارشگران) می‌توانند نگرش، باورها و دیدگاه‌های شهروندان را تحت تأثیر قرار دهند. به سخن دیگر، می‌توانند در زمینه‌های فردی و اجتماعی در سطح جامعه تحرک روانی پدید آورند.

■ از آنجا که آموزش‌های رسمی و غیررسمی در رعایت احترام به قوانین و مقررات شهروندی مؤثرند، در آموزش و تربیت شهروندی باید فرد تحت آموزش مورد توجه قرار گیرد تا بتواند با فردیت پیدا کردن، در گروه‌های اجتماعی مشارکت کند. به علاوه، برنامه‌های آموزشی براساس نیازهای فرد در ارتباط با خود و جامعه تنظیم شود و به‌ویژه در محتوای برنامه‌های درسی این موضوع مورد توجه قرار گیرد.

## پی‌نوشت‌ها

1. American Declaration Of the Right and Duties of Man.
2. Jimmy wales
3. Patrick John.j
4. Teacher net

## منابع

۱. ابراهیمی قوام، صغری، بررسی تطبیقی استانداردها، اهداف، مدل‌های برنامه درسی، فرایندهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی درس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در کشورهای استرالیا، کانادا، انگلستان، ژاپن و ایالات متحده آمریکا. (۱۳۸۳).
۲. اسکندری، زهرا، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی بین دانشگاه سراسری و آزاد تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد راه اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. (۱۳۸۶).
۳. اسلامی «حسن و سیار، ابوالقاسم». رفتار شهروندی سازمانی. ماه‌نامه تدبیر. شماره ۱۸۷. سال هجدهم. (۱۳۸۶).
۴. افشار، اسد... تاریخچه حاکمیت، قانون اساسی و حقوق شهروندی در ایران. کد خبر ۷۱۴۳۲. (۱۳۸۸).

۵. برخوردار، مهین، «تبیین و ارزیابی چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

۶. برخوردار، مهین. «حقوق شهروندی، آموزش و مشارکت مدنی در محله». (۱۳۸۳).

۷. بیتنام، دیوید و بویل، کوین. دموکراسی چیست؟ آشنایی با دموکراسی. ترجمه شهرام نقش‌تبریزی. ققنوس، تهران، چاپ پنجم. (۱۳۸۸).

۸. جاوید، محمدجواد. نظریه نسبیت در حقوق شهروندی، تحلیلی مبتنی و اطلاع‌رسانی، آرزو. مجموعه کامل قوانین و مقررات شهروندی. سپهر ادب. تهران. چاپ چهارم. (۱۳۸۸).

۹. رضایی‌پور، آرزو. مجموعه کامل قوانین و مقررات شهروندی. سپهر ادب. تهران. چاپ چهارم. (۱۳۸۸).

۱۰. روزنامه همشهری. شماره ۳۷۸۵. (۱۳۸۴).

۱۱. زکی، حفیظا... «حقوق و مکلفیت‌های شهروندی». دوفهته‌نامه آگاهی حقوقی. سال چهارم. شماره ۵۶. (۱۳۸۹).

۱۲. سببانی، عبدالرضا؛ سعادت‌مند، زهره؛ کریمی، فریبا. «شیوه آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه فریدونشهر با حقوق شهروندی». فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. شماره ۱۵. (۱۳۸۶).

۱۳. عسکریان، مصطفی. «جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروندی». دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی. (۱۳۸۵).

۱۴. عیدی، ولی. «تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی». مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی - جامعه‌شناسی. اصفهان. (۱۳۸۶).

۱۵. فامیل رستمی، مژگان. «آموزش شهروندی». روزنامه شهروند. (۱۳۸۸).

۱۶. فتحی و اجارگاه، کوروش و واحد چوکده، سکینه. «شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای وضعیت آن». فصل‌نامه عمل پژوهشی نوآوری‌های آموزشی: ویژه‌نامه نوآوری در تربیت شهروندی. شماره ۱۷. سال پنجم. (۱۳۸۵).

۱۷. قاسمی، وحید و ژیانپور، مهدی. «مشارکت در امور شهری به مثابه حق و وظیفه شهروندی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه اصفهان. (۱۳۸۶).

۱۸. قربانی‌پور، جمیله و رضایی‌نژاد، امیرعلی آشنایی با حقوق شهروندی «آموزش خاص اعضای شورای حل اختلاف (۳۰)». معاونت آموزشی قوه قضائیه. نشر قضا. چاپ اول. (۱۳۸۶).

۱۹. کیانپور، کرملی. بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی - فرهنگی با میزان آگاهی معلمان از حقوق شهروندی در شهر بروجن. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی - جامعه‌شناسی. (۱۳۸۵).

۲۰. لطف‌آبادی، حسین، «رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت». فصل‌نامه علمی پژوهشی نوآوری‌های آموزشی: ویژه‌نامه نوآوری در فلسفه تربیت. شماره ۲۰. سال ششم. (۱۳۸۶).

۲۱. مجله کوثر. «قانون‌گرایی در سیره و گفتار معصومان علیهم‌السلام». شماره ۲۸. (۱۳۸۷).

۲۲. مفتاح، محمدصالح. «مبانی حقوق شهروندی در اسلام». باشگاه اندیشه. نسخه شماره ۱۹۱۲. (۱۳۸۷).

۲۳. موسوی مقدم، محمد. مجموعه قوانین مقررات حقوق شهروندی، دادگستری کل استان قم. چاپ اول. (۱۳۸۸).

۲۴. وب‌سایت شهرداری تهران. حقوق شهروندی. (۱۳۸۸).

25. (www.forum.98ia.com).

26. Seed: Scottish Executive Education Department (2006). Education for citizenship. Scotland. Smarter.

27. James, Arthur et al. (2003). Teaching citizenship in the secondary school. London: David Fulton.

28. http://www.irbar.com.

29. Http://www/e-kashan.com

30. Http://www.wikipidia.com.

31. Http://en.citizensdium.org.

32. Http://teachernet.gov.uk.